

آسیای میانه

مرزهای امروزی آسیای میانه شرقاً در سرزمین های تبت و وادی تادیم نیم قاره هند و پاکستان تا شمال شرقی ایران و سواحل کسپین بشمول تمام افغانستان و جمهوریت های آسیایی شوروی مغولستان، تاجیکستان، ازبکستان و ترکمنستان محدود میگردد.

این سرزمین پهناور که در طول تاریخ سر نوشت مشترك و مشابهی در سیاست و اقتصاد و کلتور دارد با وجودیکه مرزهای مشخص جغرافی نداشت، ولی بمنزله يك واحد فرهنگی بوده پیوستگیهای متداوم فرهنگی و فکری در بین مردم آن جریان داشته است.

ما این کشورهای مجاور و بهم پیوسته را ازینرو يك واحد کلتوری cultural unit گوئیم، که همواره امواج فرهنگی بین آنها جریان داشته و فرآوردهای زندگانی یکی بر دیگری، اثرهای گوناگون اقتصادی و فکری و عقلانی را بار آورده است.

گهواره تمدن:

سرزمین های مذکوره بالا در آسیای میانه که مشتمل بر وادیهای وسیع حاصلخیز و دارای دریاها و خروشان و منابع آبرسانی بوده، از زمان قدیم پیدایشگاه و پرورشگاه تمدن در آسیای میانه اند، که ما آنها را گهواره های تمدن و فرهنگ میدانیم و عبارتند از:

۱_ وادیهای شرقی مجاری تاریخ از دریای ختن تا کاشغر و رود آقسو تا ترکستان شرقی.

۲_ وادیهای شرقی دریای سندھ تا کشمیر و پنجاب و مجاری علیای گنگا که در جغرافی ویدی (هفت دریا) نامیده شده اند.

۳_ وادیهای تبت.

۴_ وادیهای حاصلخیز شمال آمو مشتمل بر:

الف: وادیهای مجاری وحش

ب: مجاری دریای زرافشان (سغد)

ج: مجاری سیر دریا

د: وادیهای خوارزم در شمال نهایی مجرای آمو

۵_ وادیهای جنوب مجرای آمو، مشتمل بر:

الف: مجاری دریای کوچک (تخار)

ب: بلخ

۶_ وادیهای مجرای دریای کابل

۷_ وادیهای مجرای دریای هلمند تاسیستان.

۸_ وادیهای مجرای دریای ارغنداب و ترنک که در پهلوی رُخد عربی الرخج بود.

۹_ وادیهای مجاری خاشرود، فراه رود، هاروت در شمال سیستان.

۱۰_ مجرای هریرود و وادیهای شمالی و جنوبی این رودخانه

۱۱_ مرو رود (مرغاب)

۱۲_ خراسان عربی مشتمل بر: سرزمین های طوس، نشاپور، گرگان تا جهیل کسپین.

این وادیهای پنهاور و حاصلخیز آسیای میانه در طول تاریخ همواره زایشگاه تمدن بوده و در محل تقاطع و گذرگاه مدنیت ها و فرهنگهای متعدد و گوناگون واقع شده اند و بنا برین اوضاع کهن سال کلتوری این منطقه دارای مبادی و اصولیست که در طول زمان از طرف خود مردم این منطقه فرهنگ آفرین پدید آورده شده و یا از سوی دیگر بدینجا انتقال یافته و ازین گذرگاه بجانب دیگری گذشته اند.

مردم آسیای میانه از دوره های قبل از تاریخ برخی از موارث فرهنگی مشترکی داشته که در جریان وقایع تاریخی در بین خود ایشان پدید آمده و یا از امتزاج عناصر فرهنگی که از شرق بغرب یا از شمال بجنوب میگذشته تشکل یافته اند.

بنا برین باید گفت: که آسیای مرکزی هم خودش گهواره و پرورشگاه تمدن بوده و نیز گذرگاهی بود، که امواج فرهنگی ازین سوی بدانسو میگذشت و از هر طرف معرض ورود و انتقال افکار و عقاید و حرکات مدنی و عقلانی و دانش و فلسفه و فرهنگ بود.

ما درین مقاله مختصر بایک نگاه کوتاه و گذرنده نقشه " پیدایش و گذرش و پرورش این فرهنگها را نمایش میدهم، که نزدیکی ها و پیوستگیهای تاریخی این مردم را با همدیگر روشن میسازد:

۱_ فرهنگ قبل از تاریخ

که در نقشه بخطوط نقطه دار مسلسل سرخ نشانی شده و به چهار سوی این منطقه و خاکهای مجاور آن دوام دارد. و از حدود شش هزار سال تا پنجاه هزار سال قبل ازین آثاری ازان ازموهن جودیرو و هرپه وادی سند تا وادی ارغنداب و ماوراء النهر و ایران میرسد.

آثار قدیم سنگ چقماق Middle Palaeolithic یا Mousterian در حدود ۵۰،۰۰۰ هزار سال پیش ازین در دره

دادل و هزار سمو دره کور شمال افغانستان

آثار عصر متوسط سنگ ۷۲۰+۱۰۵۸۰ سال پیش در قره کمر، وادی زرافشان، وادی ترمذ و ترکمنستان

آثار عصر جدید سنگ بدون سفال ۸۶۰۰+۱۰۰ در آق کپروک ۲-۱ خراسان، هرپه، موهن جودارو، شاه تپه، قندهار،

سیستان و ترکمنستان

آثار عصر جدید سنگ با سفال ۷۲۰۰+۱۰۰ در آق کپروک ۲-۱

آثار عصر کلکولیتیك Chalcolithic سنگ صیقلی، سفال، فلز ۷۰۳+۱۰۰ در آق کپروک، دیمراسی غوندي، مندي گك (قندهار)، سیستان.

آثار عصر مفرغ از ۵۰۰۰ تا ۳۵۰۰ ساله، از آق کپروک ۱-۲-۳-۴ دیمراسی، مندي گك، سیستان، هرپه، موهن جودارو، بمپور، زرنج، نمازگاه، آلتین تپه.

آثار عصر جدید سنگ Neolithic ۳۷۸۰+۱۰۰ سال در دره کور

آثار عصر قدیم مفرغو عصر قدیم آهن ۱۰۰۰ ق، م

در آق کپروک ۴-۳-۲-۱ دیمراسی، مندي گك، ن ادعلي، سیستان

۲_ فرهنگ ویدی

منسویست به چهار کتاب کهن وید، که آریا نژادان باختر و هند شمالی در حدود ۱۴۰۰ ق، م به سبک ترانه های قدیم میسروده اند. درین چهار وید، افکار، عقاید، روش زندگانی و پرستش و مهاجرت های این مردم از کشورهای آسیای میانه به شرق و غرب و هم بسا مشترکات لسانی با زبان های باختری و افغانی و نام های قبایل و اماکن افغانستان و آسیای میانه پدیدار است و خصایص فراوان این فرهنگ کهن سال، از چهار وید روشن می آید.

۳_ فرهنگ اوستایی

منسویست به کتاب اوستا که از حدود ۱۲۰۰ ق، م آغاز و در صفحات بخدی (باختر) تا ایران و ماوراء النهر پهن گردید و با جهش و ریفرم زردشت و تبلیغ آیین مزدیسنا در حدود ۵۸۸ ق، م تکمیل میگردد. و آمیزش این فرهنگ را با سوابق ویدی و سپر موج هر آنرا به شرق (هند) و غرب (ایرن) وانمود کرده ایم، که در آنجا آمیزش آن با فرهنگ هخامنشی ایران هم دیده می شود (حدود ۵۱۲ ق، م)

۴_ فرهنگ یونانی

این فرهنگ از سمت مغرب با لشکر کشی های اسکندر (۳۳۰-۳۲۶ ق، م) به آسیای میانه رسید، و آثار فرهنگ و هنر و زبان و رسم الخط و سنن فن تعمیر و شهر سازی آن پهن گردید.

دوره حکمداری مستقل یونانیان باختری، مدت دو نیم قرن تا حدود ۱۰۰ ق، م دوام کرد که بقایای یک شهر یونانی در آی خانم کنار جنوبی آمو موجود است و درینجاست که این فرهنگ علاوه بر امتزاج با فرهنگ های سابقه این سرزمین با فرهنگ دیگری که از سمت مشرق (هند) آمده بود، نیز آمیخت که در سطور ذیل شرح داده میشود.

۵_ فرهنگ بودایی+یونانی یا

ساکياموني (دانشمند قبیله ساکیا) که به معنی منور شهرت یافت، بعد از تأسیس و تبلیغ دین خود در کوچینگره هند شمالی در سال ۴۸۳ ق، م وفات یافت و آثار و آیین های این دین بافتوحات راجه آشوکا (۲۷۳-۲۳۶ ق، م) حکمدار بزرگ

خاندان موريا در آسيای ميانه تاكنار درياي ارغنداب رسیده بود، که يك کتيبه او بزبان آرامي و يوناني در قندهار در سال ۲۵۰ق، م بر سنگي نقرگرديده است.

دين بودا در آسيای ميانه فکر و فرهنگ قوي بوجود آورد و اين موج فرهنگ هندي که از شرق جريان داشت هم درينجا با فرهنگ يوناني در آميخت که آنرا فرهنگ گريکو بوديك يا يوناني+باختري گوييم که تا مجاري جيلم هم شرقاً سير داشته و امواج آن با مدنيت هندي بوديزم درآميخته است.

۶_ فرهنگ کوشاني

سلطه سياسي يونانيان باختر در قرن اول قبل الميلااد با هجوم و گسترش قبایل بيابان گرد کوشان آسيای مرکزي که از سمت شمال آمو ريخته بودند، پايان رسيد، ولي تأثير فرهنگ و رسم الخط يوناني آميخته با بوديزم تا مدت نه قرن دوام کرد، و چون کوشانيان از پار دريا به تخار و باختر رسيدند درينجا مجموعه شگفتي از فرهنگهاي سابقه بوجود آمد، که با وسعت امپراتوري چهار مين بزرگ دنياي آنوقت در عصر کنيشکه (۱۴۴_۱۲۵ق، م) با تمام مردم متمدن شرق و غرب تماس يافت و در مجموعه ايزدان ارباب انواع pantheon آنوقت سي و سه ايزد ايراني، هند، يوناني، رومي مربوط به اديان مختلف از هند تا يونان و روم بر مسکوکات کوشاني بنظر ميآيد، که وسعت افق کلتوري و فکري کوشانشهر را نشان ميدهد. هنر نيز درين دوره مجموعه شگفتي از امتزاج عناصر مختلف شرقي و غربيست و از اين آميزش و بهم پيوستگي، کلتور خاصي بوجود آمد که مظاهر آن در مباني گوناگون زندگاني از السنه و هنر و ابنيه و افکار ديني و پديده هاي عقلاني و غيره نمايانست و بسمت مشرق (هند) هم امواج سير آنرا ديده ميتوانيم.

۷_ فرهنگ ساساني

در پنج قرن نخستين ميلادي، کوشانيان بزرگ و کوچک و بقايای شهزادگان آن در اراضي مرکزي آسيای ميانه و آريانا با کلتور خاصي که پديد آورده آند درحالي موجود بودند، که از سمت غرب با لشکرکشيها وف توحات شاهنشاهان ساساني و بسط فرهنگ و هنر ساسانيان روبرو بودند و اين کلتور نافذ و پيشرفته هم با مبادي فرهنگهاي ممزوج گذشته در آميخت

۸_ فرهنگ هفتلي

در حدود ۴۲۵م قبایل سپيد رنگ آريايي نژادکه عرب آنانرا ميگفته اند، از مناطق آسيای مرکزي برراه کوشانيان به باختر و تخار گذشته و در تمام افغانستان و هند شمالي جاي کوشانيان را گرفتند و با ساسانيان ايران جنگيدند و در هند شمالي تا دره هاي کشمير پيش رفتند. آثار فرهنگ مرکب اين دوره هم درالسنه و ادبيات و فرهنگ اين منطقه موجود است و ماموج ورود و بسط آنرا ت اکشمير با خط تيردار نشان ميدهيم. که سنگ نوشته هاي آنها بخط شکسته يوناني موجود است.

۹_ فرهنگ اسلامي

در نصف اول قرن هفتم ميلادي عساکر فاتح عرب با قرآن و دين اسلام و شمشير بران به آسيای ميانه از طرف غرب وارد شدند، و فرهنگ قوي و سالم تازه دمي را با خود آوردند، که درينجا با فرهنگهاي تاريخي سابقه روبرو گرديد. اين فرهنگ جديد با عقیده توحيد و زبان عربي، فرهنگهاي بت پرستي و آفتاب و آتش و غيره را از بين برد و تأثيرهاي عميق السنه و ادبيات و ضروريات محيطي مردم آسيای ميانه و خراسان را درخود دخيل ساخت

۱۰_ فرهنگ خراسانی

این فرهنگ يك فرع فرهنگ اسلامي است که از امتزاج فرهنگهاي گذشته و عناصر نو وارد اسلامي در خراسان بوجود آمد و در تمام آسیای میانه پهن گردید. که درین ۱۴۰ سال متوالي تا کنون دوام دارد.

این فرهنگ بوسیله زبان عربی و دری به زبانهای ترکی و هندی و افغانی نفوذ کرد و براققتصاد و هنر روشهای زندگانی و تمام مظاهر فرهنگی اثر گذاشت. و بوسیله افغانان مسلمان در هندوستان تا خلیج بنگال بسط یافت و مسلمانان ماوراء النهر آنرا به مغولستان هم رسانیدند. این فرهنگ که مجموعه تمام فرهنگای دوره های گذشته است با هجوم چنگیزخان و بازماندگان او عناصر فرهنگی مغول نیز با آن درآمیخت.